فانوس

لبیک امام

۲۸

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/شماره بیست و هشتم/بهار ۱۳۹۵



قرآن، حقیقت و روح هیأت

گفتاری از حجت الاسلام احمد پناهیان





فانوس - در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره بیست و هشتم، بهار ۱۳۹۵

قرآن، حقیقت و روح هیأت
درنگی کاربردی پیرامون قرآن و هیأت
گفتاری از حجت الاسلام احمد پناهیان

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر
صفحه‌آرا: حسن ناصری
طراح جلد: سید مجتبی نبی‌زاده
شمارگان: انتشار ویژه فضای مجازی
قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

تلفکس: ۵۱ ۸۹ ۹۲ ۳۲ ـ ۰۲۵
کدپستی: ۳۷۱۵۱ ـ ۳۷۱۶۶

سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

اشاره

حجت‌الاســـلام احمد پناهیان بیش از هر چیز با هیأت محبین اهلبیت﵈ و هیأت رزمندگان اســـلام استان قم شناخته می‌شود. حاج احمد یکی از خطبای انقلابی و رزمنده کشور است که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون در خط مقدم نبرد بی‌پایان حق و باطل، چه جنگ سخت و چه جنگ نرم نقش فعالی داشته است. وی همچنین یک هیأتی و هیأت‌گردانِ به تمام معنا است؛ و تجربیات ماندگاری در اداره جلسات قرآن، سخنرانی و مداحی در هیأت دارد. حجت‌الاسلام پناهیان همچنین مسئول نوجوانان و جوانان هیأت رزمندگان اسلام است. دغدغه رهبر معظم انقلاب را با ایشان در میان گذاشتیم: «چقدر خوب اســـت که در محافل هیأت‌ها، به مسئله قرآن، قرآن‌خوانی و معارف قرآنی اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه‌خوانی‌ها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود.» (۹۲/۰۸/۲۰)

متنِ پیشِ رو، ماحصلِ گفتگو با ایشان در موضوع «ضرورت پرداختن به قرآن در هیأت» است.

آن حقیقتی که به‌عنوان نرم‌افزار جامعه دینی و یک حقیقت و کلام همیشه تازه و زنده، و به‌عنوان یک کلام برتر و تکیه‌گاه، و یک خط و یک راه در جامعه باقی می‌ماند، قرآن است

قرآن، حقیقت و روح هیأت

قرآن، روح و جان هیأت است؛ با بررسی سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌بینیم که تکیه و تمسک ایشان هم به قرآن است؛ اگر قرآن نباشد، شما نمی‌توانید اهل‌بیت علیهم‌السلام و راه و کلام ایشان را بفهمید؛ نه خود اهل‌بیت علیهم‌السلام را کسی می‌تواند بشناسد، نه خط ایشان را، نه کلام ایشان را؛ بنابراین قرآن حتماً هم به‌عنوان یک مقدمه لازم است، هم به‌عنوان یک اصل؛ هم مقدمه است، هم اصل و هم خاتمه.

امام حسین علیه‌السلام بعد از شهادت صحبت کرد؛ آن هم بالای نیزه و با اعجاز؛ «کلامکم نور»؛[1] خود کلام امام حسین علیه‌السلام نور بود؛ حجت بود؛ ولی فقط آیه قرآن خواند. آن حقیقتی که به‌عنوان نرم‌افزار جامعه دینی و یک حقیقت و کلام همیشه تازه و زنده، و به‌عنوان یک کلام برتر و تکیه‌گاه، و یک خط و یک راه در جامعه باقی می‌ماند، قرآن است؛ بنابراین قرآن حتماً باید در هیأت هم حضور داشته باشد. هیأت فضای روحی و قلبی و حتی ذهنی انسان را لطیف می‌کند؛ حالت استغفار انسان، استغفار ملائکه برای حاضرین در هیأت، فضای معنوی و رقت قلبی که هیأت ایجاد می‌کند همه ازآثار وضعی خود هیأت است؛ در روایات نیز آثاری

۱. . مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.



برای مجلس اهل‌بیت﵈ بیان شده است؛ وقتی این اقتضائات (طهارت، انس، لطافت روحی و ...) کنار هم جمع شود، اتفاقاً زمان پرداختن و نزدیک‌شدن به قرآن فرامی‌رسد؛ «لَهُمْ قُلُوبٌ لاَّ يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لاَّ يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لاَّ يَسْمَعُونَ بِهَا أُوْلَـئِكَ كَالأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُوْلَـئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛[1] قلب باید در حقایـق الهی قرآن تفقه کند؛ این قلب را هیأت آمـاده می‌کند؛ درحقیقت اهل‌بیت﵈ آمده‌اند تا ثقل اکبر را در جامعه تثبیت کنند؛ بنابراین جدایی هیأت از قرآن، و جدایی قرآن از هیأت ممکن نیست؛ این دو لازم و ملزوم یکدیگرند؛ قرآن حقیقت و روح هیأت است؛ حتی بالاتر از لازم و ملزوم هستند؛ بلکه عین یکدیگرند؛ حقیقت یکدیگر هستند؛ قرآن در کنار هیأت نیست بلکه خود هیأت است.

درباره برنامه قرائت قرآن در هیأت ممکن اسـت کسی بگوید چرا جلسـه قرآن را در پایان هیأت برگزار نمی‌کنید؟ یعنی بعد از طهارت و تزکیه‌ای که در اثر روضه و مناجات و دعا و سـینه‌زنی حاصل می‌شود. این هم مدل بسیار خوبی است؛ البته شاید برنامه بعضی هیأت‌ها این‌گونه هم باشد؛ گاهی توان یک هیأت این‌گونه است؛ مثلاً بعد از مراسم هیأت این اقبال ایجاد شده و جمعی می‌نشینند و چند دقیقه قرآن قرائت می‌کنند؛ این بستگی دارد به اینکه قاری بتواند حقیقتاً آن مفاهیم را در قرائت پیاده کند؛ من تابه‌حال کسی را در هیأت پیدا نکرده‌ام که بتواند به‌طور ثابت یک حرکت ماندگار را انجام دهد؛ چه‌بسا اگر پیدا کنم، این کار را شروع کنم؛ ولی چون این امکان را ندارم، ابتدایی‌ترین کار را انجام می‌دهیم.

جدایی هیـأت از قـرآن، و جدایی قرآن از هیأت ممکن نیست؛ این دو لازم و ملزوم یکدیگرند؛ قرآن حقیقت و روح هیأت اسـت؛ حتی بالاتر از لازم و ملزوم هستند؛ بلکه عین یکدیگرند؛ حقیقت یکدیگر هسـتند؛ قرآن در کنار هیأت نیسـت بلکه خود هیأت است.

۱. . اعراف،۱۷۹.



استقبال از برنامه قرآنی هیأت نشانه آمادگی روحی

معمولاً کسی که زودتر می‌آید، آمادگی قلبی و روحی و ذهنی بیشتری دارد؛ برای همین انگیزه دارد که از ابتدای جلسه بیاید؛ مثل رهبر معظم انقلاب که سفارش می‌کنند اول وقت در انتخابات شرکت کنید؛ ایشان همیشه در ساعات اولیه انتخابات رأی می‌دهند؛ کسی که اولین نفر در صف جماعت می‌نشیند، زودتر شهید می‌شود؛ من رفقای خودم را دیده‌ام؛ آن‌ها قبل از دیگران می‌آمدند و در صف نماز جماعت می‌نشستند؛ این‌ها در میان بچه‌های مسجد از دیگران جلوترند. در هیأت هم عده‌ای در طول یک هفته تشنه هیأت می‌شوند و هنگام برگزاری هیأت، زودتر از دیگران می‌آیند؛ البته این فرق می‌کند با کسی که برای پیداکردن جا و دیدن مداح موردعلاقه‌اش زودتر می‌آید؛ مسئله، مداح و منبری نیست؛ مسئله، درک فضای هیأت است.

در هیأت محبین اهل‌بیت علیهم‌السلام کسی هست که از سال ۱۳۷۰ پیش از همه در جلسات قرآن شرکت می‌کند؛ او یک رزمنده جانباز است؛ یکی از این افراد طلبه فاضلی است که به چند زبان زنده دنیا مسلط است؛ ولی چون نیاز و عطش دارد، اولین نفری است که پیش از استاد قرآن در مجلس قرآن هیأت می‌نشیند؛ جناب

آقای حبیب الله معصوم از سال ۱۳۷۰ از سابقون برنامه قرآن هیأت بوده است. ایشان روایتگر اردوهای راهیان نور هم هست؛ چند سال هم اسیر بوده و مشکلات عدیده‌ای از آثار شکنجه هم دارد؛ درهرحال ایشان طلبه فاضل، انقلابی، خوش‌خط و بچه‌هیأتی به‌معنای واقعی است؛ ایشان کسی است که به‌جرأت می‌توانم بگویم طی ۲۶ سال حضورش در محبین اهل‌بیت دچار هیچ خللی نشده است؛ من هر وقت ایشان را در هیأت نبینم، می‌فهمم که قم نیستند؛ یعنی مقیدند که از ابتدای برنامه قرآن شرکت کنند.

در هیأت هم عده‌ای در طول یک هفته تشنه هیأت می‌شوند و هنگام برگزاری هیأت، زودتر از دیگران می‌آیند؛ البته این فرق می‌کند با کسی که برای پیداکردن جا و دیدن مداح موردعلاقه‌اش زودتر می‌آید؛ مسئله، مداح و منبری نیست؛ مسئله، درک فضای هیأت است.

بهره‌های معنوی از برنامه قرآن هیأت

زمان جنگ در هیأت محبان الزهراء تهران، کسانی که مقید به حضور در برنامه قرآن بودند، کنار رحل قرآن اشک می‌ریختند؛ کنار آیات شوق، اشک شوق می‌ریختند و کنار آیات عذاب، اشک خوف؛ این اشک‌ریختن آن‌ها دائمی بود. کسانی که زودتر می‌آیند، توجه بیشتری دارند؛ من شاید منبری هیأت باشم ولی گاهی که به‌عنوان یک هیأتی از سفره قرآن هیأت بهره‌مند شده‌ام، موضوع بحثم متناسب با آیاتی که تلاوت شده، تغییر کرده است؛ وقتی در هیأت پای قرآن می‌نشینم، گویا در هیأت با یکی از اولیاء خدا ملاقات کرده باشم؛ این ملاقات چطور برای شما ذوق و شوق ایجاد می‌کند؟! وقتی در هیأت با قرآن ارتباط برقرار می‌کنید، همین‌گونه است؛ آیا از قرآن نزدیک‌تر به خدا سراغ دارید؟ این نکته با توجه به آن روایتی است که فرمود: «زیباترین و رعناترین جوان در قیامت، قرآن است که شفاعت می‌کند»؛ من هرگز به‌عنوان کلام خدا به قرآن نگاه نکرده‌ام؛ بلکه همیشه آن را به چشم یک شخصیت دیده‌ام؛ مثل امام معصوم، مثل حجت و به‌عنوان یک هویت؛ به‌همین‌دلیل گاهی هنگام استخاره با قرآن، خود قرآن به من می‌گوید که الان پاسخ تو را نمی‌دهم؛ وقتی با این نگرش به قرآن نگاه می‌کنم، گاهی می‌گوید جواب نمی‌دهم؛ من هم به صاحب

استخاره می‌گویم: «کاری که تو می‌خواهی انجام بدهی، اصلاً استخاره ندارد؛ اول شرایط کار را بررسی کن، بعد استخاره کن». گاهی به‌شکل کامل پاسخ می‌دهد، گاهی فقط جواب کوتاه خوب یا بد می‌دهد؛ چون یک شخصیت و یک حقیقت است.

من که بیشتر از اطرافیانم درگیر مجالس اهل‌بیت‌ﷺ هستم، باید اعتراف کنم بیشتر از هرکس دیگری در هیأت از قرآن بهره برده‌ام؛ یعنی احساس می‌کنم اهل‌بیت‌ﷺ همیشه من را به قرآن هدایت کرده‌اند؛ من که نمی‌توانم با حقیقت اهل‌بیت‌ﷺ ارتباط برقرار کنم؛ چون مثل آیت‌الله بهجت نیستم که در حرم امام رضاﷺ بتوانم حضرت را ببینیم؛ بنابراین وقتی اهل‌بیت‌ﷺ می‌خواهند با من حرف بزنند با قرآن ارتباط برقرار می‌کنم؛ در فضای هیأت گاهی کاملاً متوجه می‌شوم که قرآن با من سخن می‌گوید؛ به‌همین‌دلیل استفاده اصلی من همان حضور در برنامه قرائت قرآن هیأت است؛ باقی برنامه هیأت من جاافتادن همان اتفاقی است که در ابتدای جلسه قرآن رخ داده است؛ شما وقتی که تازه‌نفس و باانرژی هستید، پای معارف قرآنی می‌نشینید و حقایق قرآنی با شما ارتباط برقرار می‌کند؛ اگر کسی با پای دل به هیأت قدم بگذارد، دریچه‌های قلبش به‌سوی قرآن باز می‌شود و از این معارف استفاده می‌کند.

وقتی در هیأت با قرآن ارتباط برقرار می‌کنید، همین‌گونه است؛ آیا از قرآن نزدیکتر به خدا سراغ دارید؟ این نکته با توجه به آن روایتی است که فرمود: «زیباترین و رعناترین جوان در قیامت، قرآن است که شفاعت می‌کند».

زنده‌بودن قرآن در هیأت و تأثیرگذاری آن در مستمعین

گاهی بعضی به بنده می‌گویند: «ما فلان مسئله پیچیده یا پرسش را در ذهن داشتیم که با شنیدن آیه قرآنی که شما خواندی، پاسخش را گرفتیم؛ از کجا می‌دانستی این پرسش یا مسئله در ذهن من هست؟»؛ این نشانه زنده‌بودن قرآن در هیأت است؛ همان‌طور که زنده‌بودن اهل‌بیت‌ﷺ در هیأت محسوس است، زنده‌بودن قرآن هم در هیأت محسوس است؛ اتفاقاً اهل‌بیت‌ﷺ هم به قرآن تکیه می‌کنند؛ «وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»؛[1] شما از اهل‌بیت‌ﷺ هیچ کلامی غیر از قرآن نمی‌شنوید؛ همچنان‌که از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله هم جز قرآن نمی‌شنوید؛ خود اهل‌بیت‌ﷺ هم از عین کلام قرآن استفاده می‌کنند؛ خدای متعال هم به ما دستور داده‌اند که «...فَاقْرَؤُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ...»؛[2] هرچه می‌توانید، قرآن بخوانید.

یکی از برنامه‌های تربیت دینی رهبر معظم انقلاب برای جوانان دوران طاغوت این بود که به شاگردان و جوانان می فرمودند: یک قرآن جیبی همراهتان باشد و هرجا فرصت پیدا کردید، قرآن بخوانید؛ رهبر معظم

۱. . نجم، ۳و۴.
۲. . مزمل، ۲۰.

انقلاب به قدرت الهی به این تشخیص رسیده بودند؛ پیش از اینکه این مطلب را دربارهٔ ایشان بدانم، این برنامه را در جبهه دیده بودم؛ در جبهه که کسی به بچه‌ها نگفته بود قرآن بخوانید؛ اصلاً در آن زمان رهبر معظم انقلاب مطرح نبودند؛ در آن دوره امام (ره) مطرح بودند؛ در جبهه‌ها امام (ره) بیشتر از هر کسی محور بودند؛ کسی به بچه‌ها نگفته بود قرآن بخوانید؛ ولی خودبه‌خود بهترین بچه‌ها همیشه یک قرآن جیبی داشتند و کمترین فرصتی که پیدا می‌کردند، قرآن می‌خواندند؛ وقتی عملیات نبود، فرصت زیاد بود و بچه‌ها قرآن می‌خواندند؛ این‌ها معمولاً کمترین خطاها را داشتند؛ الان متأسفانه هیأتی‌ها پای منبر هم که نشسته‌اند با موبایل مشغول‌اند؛ معلوم است از این هیأت چیزی نصیبشان نمی‌شود.

یکی از برنامه‌های تربیت دینی رهبر معظم انقلاب برای جوانان دوران طاغوت این بود که به شاگردان و جوانان می فرمودند: یک قرآن جیبی همراهتان باشد و هرجا فرصت پیدا کردید، قرآن بخوانید؛ رهبر معظم انقلاب به قدرت الهی به این تشخیص رسیده بودند؛ پیش از اینکه این مطلب را درباره ایشان بدانم، این برنامه را در جبهه دیده بودم.



امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

هر کدام از شماها یک نسخه‌ی قرآن در جیب بغلتان داشته باشید.

اگر در جایی منتظر کاری می‌ایستید و فراغتی پیدا می‌کنید، یک دقیقه، دو دقیقه، پنج دقیقه، نیم‌ساعت، قرآن را باز کنید و به تلاوت آن مشغول شوید تا با این کتاب انس پیدا کنید.

YARAN.INFO
گروه فرهنگی یاران خبیث(ره)

ممکن است برنامه قرآن هیأت ـ که جمعیت کمتری در آن حضور دارند و گاهی با کم‌اقبالی مواجه می‌شود ـ به‌اشتباه مقدمه‌ای برای منبر و مداحی و ابزاری برای جمع کردن مخاطب تلقی شود. این نوعی بی‌احترامی به قرآن است؛ رسالت مدیران و منبری‌های هیأت این است که مانع ایجاد این تلقی شوند؛

برنامه قرآن، اصل جلسه هیأت

ممکن اســت برنامه قرآن هیــأت ـ که جمعیت کمتری در آن حضور دارنــد و گاهی با کم‌اقبالی مواجه می‌شود ـ به‌اشتباه مقدمه‌ای برای منبر و مداحی و ابزاری برای جمع‌کردن مخاطب تلقی شود. این نوعی بی‌احترامی به قرآن است؛ رسالت مدیران و منبری‌های هیأت این است که اولاً مانع ایجاد این تلقی شوند؛ در هیأت محبین اهل‌بیت‌ﷺ همیشه تأکید می‌کنم که دوستان در برنامه قرآن حاضر شوند؛ اصل جلسه، همین برنامه قرآن اســت؛ قرآن صحبت‌های مستقیم خدا با ماست؛ ثانیاً قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لاَ رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»؛[1] قرآن برای هدایت متقین نازل شده است؛ اهل‌بیت‌ﷺ با همه صحبت می‌کنند تا آن‌ها را به حدی برسانند که قرآن بتواند با آن‌ها حرف بزند؛ قطعاً در میان عموم مردم اقبال به قرآن کمتر از اقبال به اهل‌بیت‌ﷺ است؛ چون جنس قرآن این است؛ طلا در دسترس همه نیست؛ هیچ دست‌فروشی طلا نمی‌فروشد؛ گنجینه طلا و جواهر بسته است؛ اول باید آن را باز کرد تا به طلا رسید؛ پس خواص به آن می‌پردازند.

۱. . بقره، ۲.

ضرورت انس با قرآن از طریق برنامه‌های جانبی

در انس با قرآن باید به جایی رسید که در بخش‌های مختلف زندگی به‌شکل ناخودآگاه آیات قرآن بر زبان جاری شود؛ با هر روشی که می‌توانیم باید این انس را ایجاد کنیم؛ وقتی کسی اهل قرآن شود، در جلسه قرآن هم شرکت می‌کند؛ چون با قرآن انس دارد. یکی از مشکلات این است که انس با قرآن نداریم. الان بچه‌های ما با شیرینی، ضرب المثل و اشعار را می‌خوانند ولی آیات قرآن را با آن شیرینی نمی‌خوانند. این نشان دهنده آن است که ارتباط عاطفی برقرار نشده است. برای انس با قرآن، هم باید آشنایی با مفاهیم قرآن باشد، هم مکرر خواندن قرآن باشد و هم رفتار قرآنی باشد. زندگی که قرآنی که شد آن ارتباط عمیق ایجاد می‌شود. بعد قرآن به عنوان بهترین دوست که امام و راهنماست نقش خود را ایفا می‌کند.

به بعضی از منبری‌ها می‌گویم: «چرا این‌قدر کم قرآن می‌خوانید!؟»؛ می‌گوید: «همه حرف‌های من برگرفته از قرآن است»؛ شاید حرف‌های بعضی منبری‌ها آیه قرآن باشد ولی مخاطب با حرف‌های او انس می‌گیرد، نه با قرآن؛ خود کلمات قرآن مهم است؛ در روایت آمده است: «...النَّظَرَ فِی الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»؛[1] یعنی فقط نگاه‌کردن به قرآن، بدون خواندن، هم عبادت است؛ یعنی آن کلمه و آن جمله قرآن مهم است.

۱. . الحیاة با ترجمه احمد آرام، ج۲، ص۲۳۹

پایان‌نامه دکترای یکی از دوســـتان جانباز درباره قرآن اســـت؛ ایشـــان به برخی از شـــگفتی‌های آیات و ســـوره‌های قرآن اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد که اگر یک آیه در قرآن جابه‌جا شود، کل سیستم قرآن به‌هم می‌ریزد؛ اگر جای یک ســـوره در قرآن جابه‌جا شود، کل نظام آن به‌هم می‌ریزد. شاید مناسب باشد که عده‌ای کار تخصصی قرآنی انجام دهند؛ حتی می‌توان در حاشیه هیأت و در قالب‌های گوناگونی مانند فضای مجازی و شـــبکه‌های اجتماعی این کار را انجام داد. تزئینات و تشـــویقات و مســـابقاتی هم برگزار می‌شود؛ در اردوهای ما یا در فضاهای دیگر یکی از کارهایی که اصرار به انجام آن داریم، ختم قرآن است؛ مثلاً در اردوی جنوب، بچه‌ها را به گردان و گروهان تقســـیم می‌کنیم و در پایان اردو براساس تعداد ختم قرآن، گروهان‌های موفق و ناموفق را اعلام می‌کنیم. در این ســـفرها و زیارت‌های هیأتی یک ســـاعت را ویژه قرائت قرآن قرار می‌دهیم؛ گاهی بچه‌ها اعتراض می کردند که ما برای زیارت و عزاداری آمده‌ایم، نه برای تلاوت قرآن! به آن‌ها می‌گفتم: اتفاقاً چون اینجا در جوار امام رضاؑ آمادگی قلبی و روحی بیشـــتر اســـت، فرصت بهره‌برداری از قرآن هم بیشتر است؛ بنابراین در محل اسکان و حسینیه روزی یک ساعت قرآن می‌خوانیم. به دوســـتان هم پیشنهاد می‌کردیم لازم نیست در حرم همه ادعیه را مرور کنید و همه زیارت‌نامه‌ها را بخوانید؛ بلکه گوشـــه‌ای از حرم بنشینید و برای امام رضاؑ قرآن بخوانید؛ به امام رضاؑ بگویید: این سوره را هدیه می‌کنم به نجمه خاتون سلام‌الله‌علیها؛ این سوره را هدیه می‌کنم به امام جوادؑ و متعلقات شما؛ این‌ها قالب‌ها و شکل‌های گوناگون انس با قرآن است.

برای انـــس با قرآن هم باید آشنایی با مفاهیم قرآن باشد، هم مکـــرر خواندن قرآن باشـــد و هم رفتار قرآنی باشد. زندگی کـــه قرآنی شد آن ارتباط عمیق ایجاد می‌شود.

حجم برنامه قرآنی هیأت در ایام عادی و ماه مبارک رمضان

مدت جلسه قرآن هیأت، همان مقداری است که به منبر اختصاص داده‌ایم؛ یعنی در هر جلسه یک جزء قرآن طی پنجاه دقیقه تا یک ساعت قرائت می‌شود. ختم قرآن در ماه رمضان برای ما موضوعیت دارد؛ چون تدبر و تأمل در قرآن را می‌توان در زمان‌های دیگر هم داشت؛ ولی در ماه رمضان به ختم قرآن توصیه شده است؛ یعنی در ماه رمضان بحث آموزش دنبال نمی‌شود و سعی می‌کنیم حتماً یک جزء قرآن ختم شود. در طول ماه مبارک یک بار ختم می‌کنیم، چون ماه سی روز است؛ سال‌هایی که ماه ۲۹ روز است، تلاوت یک جزء را در طول ماه تقسیم می‌کنیم تا طی ماه، ختم قرآن را انجام دهیم؛ یعنی معتقدیم که در ماه مبارک هیأت به ما هو هیأت باید یک‌بار قرآن را ختم کند؛ چون تلاوت یک آیه در ماه رمضان، ثواب ختم کل قرآن را دارد؛ این کار از گذشته در هیأت رسم بوده، ما هم آن را حفظ کرده‌ایم؛ در برنامه جزءخوانی قرآن، عده‌ای بحث‌های تأملی و تفکری خودشان را دارند؛ حتی بعضی که شخصاً برنامه ختم قرآن دارند در هیأت هم یک ختم قرآن دارند.

البته ما نباید از کاری که قرآن با انسان می‌کند، غافل باشیم؛ آنچه ما با قرآن می‌کنیم، همه کار نیست؛ من این را کاملاً حس کرده‌ام که قرآن یک موجود زنده است؛ وقتی انسان با یک موجود زنده مرتبط می‌شود،

او هم با انسان ارتباط برقرار می‌کند؛ گاهی شما با او کار دارید، گاهی هم او با شما کار دارد؛ اگر کسی با قرآن انس بگیرد، حتی زمانی که توجه ندارد، ناگهان قرآن می‌آید و با او کار دارد؛ گویا می‌گوید: این صفحه را ببین! من با تو حرف می‌زنم؛ تو الان باید به این آیه دقت کنی؛ گاهی انسان دنبال آیه‌ای نیست ولی آن آیه دنبال اوست؛ از این امر نباید غافل بود.

در طول سال گاهی حدود ۴۵ تا ۴۰ دقیقه را به قرائت قرآن اختصاص می‌دهیم؛ گاهی نیز به‌دلیل تغییر فصل، زمان کمتری را قرائت می‌کنیم. در شب‌های بلند حدود ۴۵ دقیقه برنامه قرائت قرآن داریم. برنامه این اســت که هر نفر یک صفحه قرآن قرائت کند؛ به‌این‌ترتیب، غیر از ماه رمضان، در طول سال هم یک ختم قرآن انجام می‌دهیم؛ ما معمولاً در طول سال دوبار قرآن را ختم می‌کنیم.

در طول ماه مبارک یــک بــار ختم می‌کنیــم، چــون ماه سی روز است؛ ســال‌هایی که ماه ۲۹ روز است، تلاوت یک جزء را در طول ماه تقسیم می‌کنیم تا طی مــاه، ختم قرآن را انجام دهیم؛ یعنی معتقدیم که در ماه مبارک هیأت به ما هو هیأت باید یکبار قرآن را ختم کند

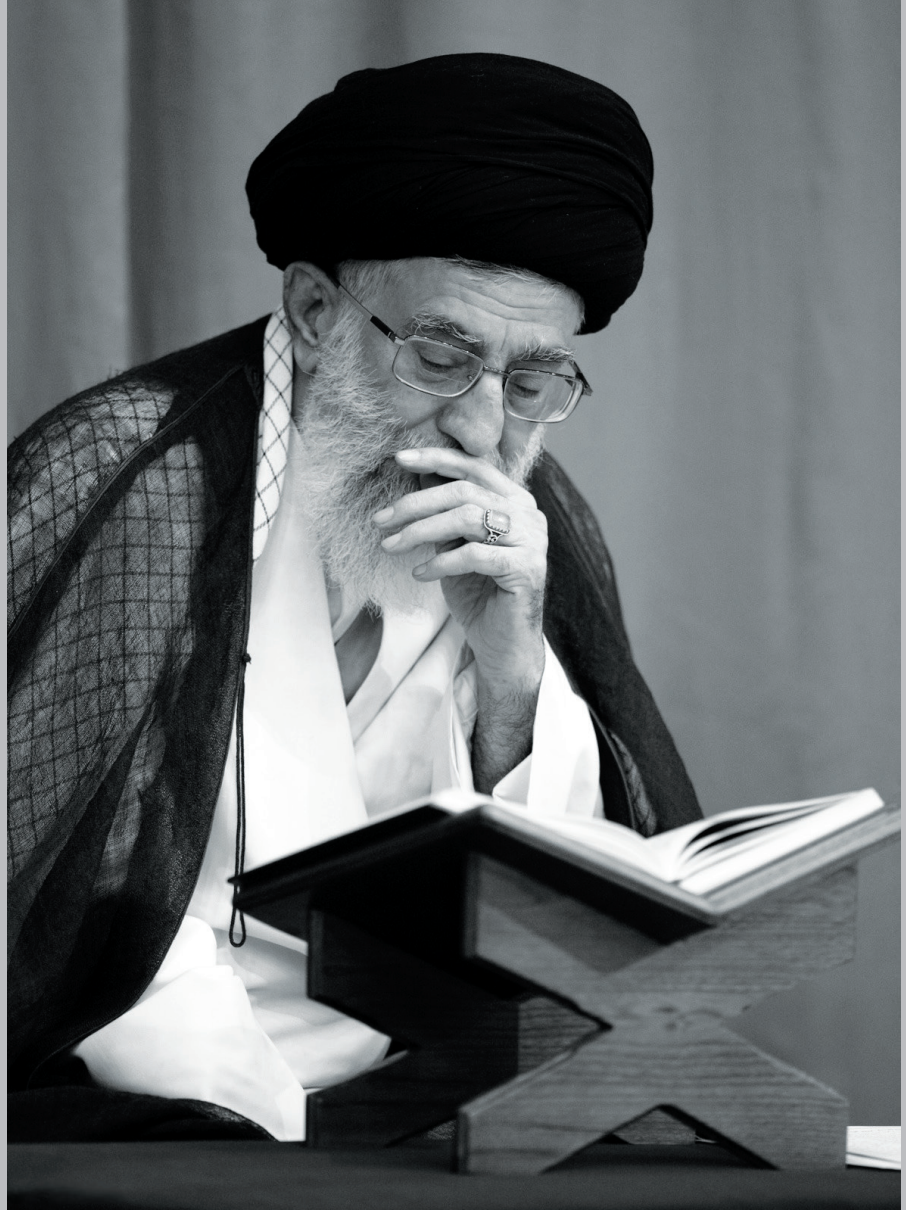

در یادواره‌های شهداء قاری قرآن آیاتی را تلاوت می‌کند که درباره جهاد و شهادت است؛ من دقیقاً از برنامه تلاوت قرآن در مجلس می‌نشینم؛ چون معتقدم در جلسه شهید، زنده‌تر از من، قرآن آن جلسه است؛ اتفاقاً گاهی این آیات با بحث من هم هماهنگ بوده است؛ گاهی نیز بحثی بالاتر از نگاه خودم به من می‌دهد؛ ارتباط من با قرآن در این مجالس، در هیأت و در یادواره‌ها واقعاً یک ارتباط زنده است؛

بهره‌مندی از آیات قرآن در سخنرانی هیأت

بنده به‌عنوان منبری هیأت در سخنرانی هیأت از آیات تلاوت‌شده در همان شب استفاده می‌کنم؛ چون با توجه به زمان کوتاه هیأت، نمی‌توان برای تفسیر قرآن هم فرصت جداگانه قرار داد؛ مثلاً در مسجد فائق تهران از آیاتی که می‌خوانند در سخنرانی استفاده می‌کنم؛ یعنی این کار احیاءکردن قرائت قرآن بعد از نماز مسجد است؛ یا در حسینیه ابوی، که شنبه‌شب‌ها جلسه ثابت داریم، دقت می‌کنم چه آیاتی قرائت می‌شود. در یادواره‌های شهداء قاری قرآن آیاتی را تلاوت می‌کند که درباره جهاد و شهادت است؛ من دقیقاً از برنامه تلاوت قرآن در مجلس می‌نشینم؛ بعضی می‌گویند: شما صبر کنید و در وقت سخنرانی وارد مجلس شوید؛ ولی من می‌گویم: می‌خواهم از ابتداء تلاوت قرآن داخل مجلس بنشینم؛ می‌خواهم بدانم این قاری قرآن به خواندن چه آیاتی هدایت شده است. شاید بتوانم بگویم در بیش از ۹۰ درصد از موارد، همان آیاتی که تلاوت شده، محتوای سخنرانی من را شکل می‌دهد؛ چون معتقدم در جلسه شهید، زنده‌تر از من، قرآن آن جلسه است؛ بعد دیده‌ام اتفاقاً گاهی این آیات با بحث من هم هماهنگ بوده است؛ گاهی نیز بحثی بالاتر از نگاه خودم به من می‌دهد؛ ارتباط من با قرآن در این مجالس، در هیأت و در یادواره‌ها واقعاً یک

ارتباط زنده است؛ چون قرآن زنده است؛ پس یک جنبه از کار، منبر است که با آیات ارتباط پیدا می‌کند. در گذشته آقای بهرام‌پور و مدتی هم حاج احمد ابوالقاسمی استادان قرآن ما بودند؛ حاج احمد ابوالقاسمی جزو اســـاتید اولیه ما در دهه ۶۰ بودند و الان از اســـاتید بنام کشور هستند. ایشان در آن زمان هم قرائت قرآن داشت؛ ما از همان آغاز یک قاعده داشتیم و از اساتید قرآنی هیأت ـ که برنامه قرآن را اداره می‌کنند ـ می‌خواستیم صفحاتی را که طی هفته خوانده می‌شود، بررسی کنند؛ چون گاهی بحث جای دیگری است و آیات خوانده‌شده، جایی دیگر؛ ممکن است نکته‌های خاصی در آن صفحات وجود داشته باشد که از دست برود. به همین دلیل همزمان با قرائت قرآن، گاهی در موارد ویژه، درباره آیات قرائت‌شده شرح و توضیحی نیز گفته می‌شود؛ با این کار هم جلسه قرآن تنوع پیدا می‌کند، هم کسی که اهل قرآن ابتداء جلسه است، بیشتر با قرآن و با تدبر قرآن انس پیدا می‌کند.



در روایت آمده است حتی کسی که قرآن زیاد می‌خواند اگر اشتباه هم بخواند، ملائکه آن را تصحیح می‌کنند و به آسمان می‌برند؛ من به دوستان می‌گویم: وقتی خدا چشم‌پوشی می‌کند، چرا شما چشم‌پوشی نکنید! می‌گویند: کلمه اشتباه خوانده می‌شود! می‌گویم: اگر شما برای یک شخص ضعیف در یک صفحه، ده اشتباه را تذکر دهید، هفته بعد دیگر قرآن نمی‌خواند

تساهل در مواجهه با اشتباهات قرائت‌کنندگان

برعکس بسیاری از جلسات قرائت قرآن، که معمولاً به اشتباهات تجویدی حساس می‌شوند، از اساتید قرآن خواسته‌ایم که به اشتباهات تجویدی حساسیت زیاد نداشته باشند؛ بیشتر بچه‌هایی که در برنامه قرائت قرآن هیأت حضور دارند از نظر تجوید توانمند هستند؛ چون با قرآن انس گرفته‌اند و حتی برخی از آن‌ها جلسات قرآن را اداره می‌کنند؛ بعضی قبلاً ضعیف بودند ولی ما به آن‌ها زیاد اشکال نگرفتیم که خجالت بکشند و کم‌کم رشد کنند؛ در روایت آمده است حتی کسی که قرآن زیاد می‌خواند اگر اشتباه هم بخواند، ملائکه آن را تصحیح می‌کنند و به آسمان می‌برند؛ من به دوستان می‌گویم: وقتی خدا چشم‌پوشی می‌کند، چرا شما چشم‌پوشی نکنید؟! می‌گویند: کلمه اشتباه خوانده می‌شود! می‌گویم: اگر شما برای یک شخص ضعیف در یک صفحه، ده اشتباه را تذکر دهید، هفته بعد دیگر قرآن نمی‌خواند. اینجا ضعیف‌ترین افراد هم کنار قوی‌ترین افراد، قرآن می‌خوانند؛ ما در برنامه قرآن هیأت، هم قوی‌ترین قاریان را داریم، هم افراد ضعیف؛ ولی همگی همیشه می‌آیند و کنار یکدیگر قرآن می‌خوانند؛ کسی که ضعیف است با سرعت کم می‌خواند؛ ولی بعد از یک یا دو سال کم‌اشتباه‌تر و بهتر می‌خواند؛ بنابراین اینجا یک مأمن است.

بچه‌های هیأت فعالیت تابستانی هم دارند؛ بچه‌ها در هیأت به نوجوانی می‌رسند و پدران و مادران آینده خواهند بود. بعضی می‌گویند: ما به هیأت اعتماد داریم و می‌خواهیم هیأت برای بچه‌های ما برنامه بگذارد؛ مـــا در این فرصت هم برنامه آموزش قرآن اعم از تجوید و مفاهیم را قرار می‌دهیم و از اســـاتید گوناگون استفاده می‌کنیم.

من به‌دلیل مشکلات جنگ حافظه خوبی ندارم و در جلسات هیأت تهران از چند نفر از دوستان دانشجو در حین جلسه می‌خواهم که آیه‌ای را برایم پیدا کنند؛ آن‌ها هم با جستجو در رایانه آیه را پیدا می‌کنند؛ یعنی ممکن است من برای بحثم پنج آیه آماده کرده باشم ولی در آن جلسه بیست آیه را مرور می‌کنیم؛ آیاتی هم که به ذهنم نمی‌رســـد، مستمعین از میان مجلس به من می‌گویند؛ یعنی خود مستمع که در هیأت پرورش پیدا کرده، نوع رجوع به قرآن را نیز در خود هیأت می‌آموزد.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

❊❊❊

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org